

آوردن مانند قرآن ممکن نیست

معمولاً در اجتماع بشری ادعایی بدون دلیل پذیرفته نمی‌شود، بلکه مورد انکار واقع میگردد، مخصوصاً اگر ادعا راجع باموری که مردم با آن سروکار دارند نبوده و از سطح افکار و عادات آنها بالاتر و سخنان مدعی با عقیده متداول بین مردم منطبق نباشد و احیاناً با مقاماتی که مصونیت قانونی دارند برخورد داشته باشد، شدیداً مبارزه با او شروع میشود. آنروز که رسول اکرم پرچم هدایت را برافراشت، همه این زمینه‌ها برای مبارزه و جلوگیری از دعوت آنحضرت سخت معکم و آماده بود، از یک طرف تعلیمات و دستورات او مافوق افکار پست آنها بود زیرا بهیچ وجه برای جمعی قابل باور نبود که بت‌ها خدا نیستند و لیاقت پرستش ندارند، و یا اینکه باید بطور کلی از قمار بازی و شراب‌خواری دست کشید، و یا باید زن را یک رکن اجتماع انسانی بحساب آورد، و با نظر احترام باو نگاه کرد، یا آن اختلاف طبقاتی عجیب که دردنیای آنروز حکومت داشت الفاء شود ...

و از طرف دیگر بسیاری از آن تعلیمات بر خود مستقیم با مقاماتی داشت که برای خود هر گونه مصونیتها و استثنائات قائل شده بودند روی همین حسابها کما هو المعمول مبارزه‌ها شروع شد، و آنچه از دستشان می‌آمد کوتاهی نکردند.

خلاصه دعوت پیغمبر (ص)

دعوت پیغمبر در این دو جمله خلاصه میشود: ۱ - من از طرف خدا مأمورم ۲ - قرآن برنامه‌ایست که از جانب او بین وحی میشود در برابر گفتار اول نسبتهایی مانند: جادوگر، دروغگو، دیوانه بحضرتش دادند!

در مقابل دعوی دوم نیز دست بدامن تبلیغات شدیدی زدند گفتند اینها چیزی جز «اساطیر اولین» یعنی داستانهای گذشتگان نیست، گفتند دروغی است که ساخته و گروهی دیگر بساختن آن کمکش کرده‌اند؛ میگفتند بشری باو تعلیم میدهد و از اینگونه حرفها قرآن با کمال امانت، نسبتها و تبلیغات دشمنان را تکرار میکند و از آنها پاسخ میدهد.

پاسخ گفتار اول

قرآن پاسخ میدهد (۱) که شما فکر دارید اندیشه دارید بیندیشید آیا اینها ساخته جادوگران است ، بی گفتگو ، جادوگران هیچگاه مسائل اساسی که بتواند موجب رشد اجتماعی و فردی مردم باشد نگفته اند دیوانگان هم که وضعتشان معلوم است .

پاسخ گفتار دوم

قرآن میگوید اگر میگوئید قرآن را ساخته است (۲) ده سوره ساختگی نظیر آن بیاورید بلکه يك سوره (۳) نظیر آن بیاورید باز میگوید اگر درباره آنچه (۴) بر بنده خویش نازل کرده ایم تردید دارید در این صورت سوره ای از شخصی مثل او بیاورید ، از روی هم رفته آیات بدست میآید که قرآن از منکرین خواسته است که مانند قرآن ولویک سوره مانند سوره های قرآن هم که باشد بیاورند .

آوردن آمانند قرآن ممکن نیست

پس آیه ۲۴ سوره بقره که در آن درخواست کرده است که يك سوره مانند سوره های قرآن بیاورند ، اعلان خطر میکند که اگر نتوانستید مانند قرآن از شخصی مثل پیغمبر بیاورید پس از آتش دوزخ هر اس داشته باشید ، وضماً بایک تأکید و صراحت مخصوصی گوشزد میکند که « هرگز نخواهید توانست مانند قرآن بیاورید » .

بیان اینکه آوردن مانند قرآن میسر نیست مقدماتی دارد که اینک بدان میپردازیم:

۱ - میدانیم بشر طبعاً تابع محیط است و هر گونه رشد و تکاملی که نصیب او میشود از تباطوستقیم با محیط زندگی او دارد ، یعنی يك محیط اگر از جهت وسائل پیشرفت علمی غنی باشد و اساتید دانشمندی آماده تربیت افراد باشند ممکن است اکثر اجتماع آن محیط مردمی فهمیده و مطلع تربیت شوند ، اما اگر محیطی از هر جهت فقیر شد ممکن نیست حتی یک نفر دانشمند مطلع در آنجا تربیت شود فی النمل از بین مردم وحشی که هیچگونه وسائل آموزش ندارند عادتاً محال است يك نفر نویسنده و خواننده زبردست بر خیزد ؛ و علاوه به يك سلسله مسائل علمی دقیق ناگهانی متوجه شود .

۲ - فرضاً محیطی مرکز علم و دانش باشد ولی اگر کسی از دوران کودکی بیعد پروکاری با دانشمندان نداشته باشد ، باز نمیتوان زیر بار رفت که بطور عادی آن شخص دارای مقامی از علم و دانش گردد .

۳ - باتفاق آراه محیط حجاز یعنی همان محیطی که رسول اکرم در آن نشوونما کرده است فقیر ترین محیطهای آن زمان از هر جهت بالخصوص از نظر علم و دانش بوده است تا

(۱) پاسخ از آیه ۱۲۴ اعراف و ۲۹ و ۲۹ و ۲۹ حاقه اقتباس شده است .

(۲) هود ۱۳

(۳) یونس ۳۸

(۴) بقره ۲۳

آنجا که تا کمی پیش از ظهور اسلام بکنفر خواننده و نویسنده پیدا نمیشد (۱) تاملی بنام «بشر» شوهر خواهر ابوسفیان در شهر «انبار» خط را فرا گرفت و بچند نفر از قریش تعلیم داد.

دانشی که از روی کتاب در مکتب و دبستانی فرا گرفته باشند برای نمونه هم پیدا نمیشد؛ عمده علوم آنها خرافاتی از قبیل فال گیری و کهنات بود، از ستاره شناسی و هوا شناسی و پزشکی جسته و گریخته ای میدانستند؛ آنها همیشه از راه سینه بسینه برای بعد از خود بارت میگذاشتند، بلی در فن شعر و سخنرانی و سبک کلام شناسی بالاتفاق سرآمد عصر بودند. و سخنان نصیح و سخنوران بلیغ بین آنها بسیار بود.

۴ - همانطور که مردم حجاز درس نخوانده بودند رسول اکرم هم امی و درس نخوانده بود، و اتفاق نیفتاد که هر چند برای مدت کوتاهی هم بوده نزد آموزگاری درسی خوانده باشد.

۵ - آنگاه با همه این خصوصیات در سن ۴۰ سالگی دفعتاً کتابی آورد که با اتفاق دانشمندان منصف عالیترین معارف و قوانین را در بردارد، و درباره ای از علوم مسأله ای بیان کرد که یاد مراکز علمی دنیای آنروز اسام و رسمی نداشت، و یا اگر هم داشت در بسیاری از موارد برخلاف نظریه آنها رأی داد تا در عصرهای انقلاب علمی بعد، صحت آن مدلل شد و علاوه آن مسأله را بایک سبک زیبا و اسلوب مخصوصی ادا نمود، که همان مردم سخندان و سبک شناس بفق الماده بودن آن اعتراف کردند.

یتیمی که ناخوانده ابجد درست * کتبخانه هفت ملت پشت

حال میپرسیم آیا آوردن مانند قرآن با این خصوصیات ممکن است؟

پرواضح است که جواب منفی است.

اما این نکته ناگفته نماند که آوردن مانند قرآن از جهانی ممکن نیست و مایکی از آنجهات را فقط شرح دادیم روی همین اصل قرآن از اول اعلان کرد که «آوردن مانند آن ممکن نیست» و تا امروز کسی نتوانسته است مانند او بیاورد و علی رغم مخالفین این خبر غیبی نیز از آب درست در آمد.

بعجز خود اعتراف کردند.

چهار نفر هوس کردند که هر کدام با ربع قرآن معارضه کنند و بقول خودشان شکست محکمی بیایه دین بدهند ۱ - ابن ابی العوجاء ۲ - ابوشاکر دیمانی ۳ - ابن مقفع ۴ - عبدالملک بصری موسم حج بود که این قرارداد بسته شد و ضمناً بنامش تا یکسال این قرارداد را داعلی کنند، موسم حج رسید حالا باید هر کس نتیجه فعالیت خود را ارائه دهد اما اولی

معدرت خواست و گفت من چون به آیه **لو كان فيهما آلهة الا الله لفسدتا** (۱) برخورددم بلاغت این آیه مرا از معارضه منصرف ساخت دومی نیز پوزش طلبید و گفت بلاغت آیه ضرب مثل **فاستمعوا له** (۲) مرا متحیر ساخت و از کاری که در نظر داشتم باز مدامت سومی گفت آیه **وقيل يا ارض ابلي مائک** (۳) نگذاشت که درباره آیات دیگر فکر کنم چهارمی گفت بلاغت آیه **فلما استياسوا منه خلصوا نجيا** (۴) مرا مدهوش کرد و از کار باز مدامت ۱۱۱

آخرین حربه

آخرین ابرادی که ممکن است گرفته شود این است که فرضاً تا کنون مانند قرآن کسی نتوانسته باشد بی آورد ولی از کجا بشرهای بعدی نتوانند بی آورند بیک جواب از این شبهه آن است که آوردن مثل قرآن از شخص امی درس نخوانده برای همیشه عاده غیر ممکن است فرقی بین گذشته و آینده نیست .

(۱) سوره انبیاء آیه ۲۲ .

(۲) سوره حج آیه ۷۳ (۳) سوره هود آیه ۴۴ (۴) سوره یوسف آیه ۸۰ .

بقیه از صفحه (۱۲)

فرج يك برنامه اصلاحی و تربیتی است اینست که امیدواری اساس زندگی ، و یاس و نومیدی مقدمه مرگ و انحطاط است ، هر گاه ریشه امید اذدل مادران ، بریده گردد ، هر گز تن باینهمه کارهای توان فرسا نمیدهند ، باغبان بامید میوه ، در سرما و گرما دست بکار میشود ، اصولاً ، ملت زنده کسانی هستند که بآینده خود امید وار گردند و - لذا - زمامداران می کوشند که ملتها را بآینده خود خوشبین سازند ، زیرا میبینند که نومیدی شالوده انحطاط و نابودیست .

ولی نباید از این برنامه تربیتی سوء استفاده نمود و دست روی دست گذارد ، بلکه بایست بسان سر بازی که در انتظار صدور فرمان جنگ است بسربرد ، و از هر نظر آمادگی پیدا نمود ، و یابسان کسی که در انتظار ورود مهمانست ، از هر جهت در خود آمادگی پذیرائی ایجاد نمود ؛ مردانیکه در انتظار دولت حقه ، و گسترش داد و عدالت و بر چیده شدن بساط ستم و بیدادگری و انتشار آئین خدا میباشند ، بایست (نقطه مقابل تنیلان) از هر جهت در خود آمادگی ایجاد نمایند ، تا روز قیام و نهضت در رکاب همایون بچنگند و او را یاری نمایند .

مع الوصف چطور میتوان گفت که انتظار دولت مهدی از وسائل عقب ماندگی و تنبلی است ، و اینکه گاهی از این برنامه سوء استفاده مینمایند ؛ ضرری بخود برنامه نمیزند زیرا این مطلب نظامی زیادی دارد .